

چکیده

اسطوره‌ها، مهم‌ترین درونمایه ادبیات حماسی و یکی از مهم‌ترین درونمایه‌های سایر انواع ادبی است. اسطوره‌ها در هر زمان گفتمان ویژه‌ای را با ادبیات به نمایش می‌گذارند که درک آن‌ها اسرار مهمی برای مخاطبان آشکار می‌کند. از مهم‌ترین گفتمان‌های اسطوره‌ای که تحت تأثیر سیاست ناصواب دولت غزنوی و سلجوقی پدید آمد، گفتمان تحقیرآمیزی بود که در اشعار شاعران دوره‌ی سلجوقی مانند امیرمعزی و ظهیر فاریابی در حوزه‌ی کاربرد اسطوره دیده می‌شود. هدف نگارنده در این پایان‌نامه بیان دلایل تحقیر و بی‌احترامی این شاعران به اسطوره و نشان دادن چگونگی این تحقیر و بی‌احترامی بوده است. روش کار توصیفی - تحلیلی بوده و با استقرار اشعار آنان انجام گرفته است. نتایج این مطالعه و بررسی نشان داد از یک طرف عدم عرق ایرانی بودنشان درک درستی از جایگاه هویتی اسطوره نداشتند و به آن‌ها به چشم افسانه نگاه می‌کردند. از طرف دیگر، شاعران مد نظر خلاف سنت شاعری رفتار کردند و به جای این‌که این پادشاهان را در جنگاوری و شجاعت به رستم و اسفندیار و زال شباهت دهند، در سخن خود این اساطیر را چنان تصویر کردند که اگر در میدان جنگ با شاهان سلجوقی روبه‌رو می‌شدند یا در جنگ آن‌ها را می‌دیدند، چاره‌ای جز گریز نداشتند.

کلیدواژه‌ها: اسطوره ملی، دوره سلجوقی، دیوان اشعار، امیرمعزی.